

شد، هدفام قرار گرفتن در بین شانزده نفر برتر دنیا شد که خیلی برایش زحمت کشیدم. در حد فاصل المپیک لندن تا ریو هم برای اولین بار برنز آسیا و رسیدن به جمع هشت نفر برتر دنیا را تجربه کردم و رفته رفته شرایط بهتری در رده بندی جهانی پیدا کردم. در نهایت هم از طریق رده بندی، سهمیه گرفتم و علی پاکدامن هم از آسیا سهمیه گرفت و این بار دو نفری به المپیک رفتیم.

مردم در ریو شمشیربازی را شناختند

من برای مدال به ریو رفته بودم و تا یک قدمی اش هم رسیدم، اما خب با ناداوری و آن اتفاق ها نتوانستم به هدفام برسم و چهارم شد. باین حال شاید ارزش آن اتفاق را زمانی متوجه شدم که پس از بازگشت به ایران، برای ادای نذری که داشتم به مشهد رفتم. در همان حرم امام رضا و شرايطی که حاکم است، مردم دوره ام کردند و با شگفتی از تجربه ی دیدن شمشیربازی گفتند. خیلی ها با صراحت گفتند که تصور نمی کردند شمشیربازی در این سطح داشته باشیم. از آن به بعد برخوردهای جالبی با مردم داشتم. چند نفر دیگر جلویم را در جای دیگری گرفته بودند و می گفتند خودمان هم باورمان نمی شد اما ساعت می گذاشتیم، تا چهار صبح برای تماشای مسابقات بیدار شویم و یا کل شب را بیدار می ماندیم.

عاشق سریال پایتخت هستم

مجتبی عابدینی، اهل مازندران است و نشان آن را در نام خانوادگی اش هم دارد. پسوند «شورمستی» که در فامیلی عابدینی وجود دارد، نام دریاچه ای بسیار زیبا در ارتفاعات شهرستان سوادکوه را تداعی می کند که یکی از مرتفع ترین دریاچه های ایران است که با انبوهی از درختان احاطه شده.

به هر ترتیب ریشه ی این ورزشکار المپیکی ایران از سوادکوه استان مازندران است و شاید به همین خاطر می گوید عاشق سریال پایتخت است. در خلال صحبت هایش هم از او پرسیدیم چطور شد که از جایگاه آخر المپیک لندن، به نیمه نهایی المپیک ریو رسید؟ از همین سریال دوست داشتنی برایمان مثال زد: «در پایتخت چهار، صحنه ای وجود دارد که نقی به مرده شورخانه رفته و غسال در حال شستن اوست. وقتی به زمین می خورد، از غسال می پرسد آیا با مرده هم همینطور رفتار می کنی؟ غسال می گوید مرده در اختیار من است، اما تو در اختیار من نیستی! درباره ی دلیل این رشد و پیشرفت پرسیدید، باید بگویم من به طور کامل خودم را در اختیار فخری گذاشتم و او هم به همین اندازه، خودش را وفق ما و تیم سابر کرد. تمهیدات او و فعل خواستنی که هر دوی ما در این چهار سال صرف کردیم، منجر به این رشد عجیب و سریع شد. تمرین ها و بدنسازی های سنگینی را پشت سر گذاشتیم. صبح و بعد از ظهر تمرین کردیم و فدراسیون هم تا جایی که می توانست، حمایت کرد تا به اینجا برسیم.

آرزوی رکورد تاریخی

مجتبی عابدینی که یک بار تا مرز خداحافظی رفته و یک بار هم خداحافظی کرده و بازگشته، حالا آنقدر امیدوار است که به روزهای پس از المپیک ۲۰۲۱ هم فکر می کند و دوست دارد در ۳۸ سالگی، حضور در پنجمین دوره ی بازی های آسیایی را هم تجربه کند؛ اتفاقی که یک رکورد بزرگ در تاریخ ورزش ایران به حساب می آید. البته که او یک رقیب جدی مانند احسان حدادی دارد که بعید به نظر می رسد بازی های آسیایی ۲۰۲۲ را از دست بدهد. عابدینی درباره ی این هدف جالب خودش نیز می گوید: «من از بازی های ۲۰۰۶ دوحه، در تمام دوره های بازی های آسیایی بودم و حالا هم یکی از اهدافم پس از المپیک، حضور در بازی های ۲۰۲۲ است. فکر نمی کنم تا امروز کسی در پنج دوره ی این بازی ها حضور داشته باشد، اما من دوست دارم به این هدف برسم.»

خداحافظی دو ماهه!

مجتبی عابدینی پس از بازی های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا، به طور ناگهانی اعلام کرد که از دنیای شمشیربازی خداحافظی می کند؛ اتفاق عجیبی که حتی در موردش با سرمربی تیم ملی هم هماهنگ نشده بود. عابدینی ماجرای تصمیم اش و تغییر آن را اینطور روایت می کند: «ما در جاکارتا به نقره ی تیمی رسیدیم و علی پاکدامن هم با شرایط خوبی که داشت، به مدال برنز رسید. بعد از این رقابت ها بود که دیگر نتوانستم در مقابل فشارها مقاومت کنم. همیشه

برنز جهان به اندازه ی دوطلای المپیک ارزش دارد

پیمان فخری می گوید به عابدینی گفتیم تو هنوز حقات را از شمشیربازی نگرفته ای! عابدینی هم درست همین را می گوید و ما را به مجارستانی می برد که برنز تاریخی اش را در رقابت های قهرمانی جهان گرفت: «به یک چهارم نهایی که رسیدیم، حریف هارتونگ شدم، شمشیرباز نامداری که همین حالا نفر دوم دنیا است. قبل از بازی به پیمان فخری گفتیم به خاطر دخترهایم می روم

سه سوال در راه سومین المپیک

پیش بینی ات از نتیجه ی خود در توکیو چیست؟

پیش بینی من کسب مدال است. همه ی بچه ها و کادر فنی کوهی از انگیزه هستند، اما حداقل برای خودم هدفام را روی مدال گذاشته ام و فکر می کنم می توانم به آن برسم.

و نتیجه ی تیمی؟

این اتفاق برای اولین بار افتاده است. باین حال تیم بسیار خوب و با انگیزه ای داریم و شانس خوبی هم برای رسیدن به مدال داریم، اما به هر حال قرعه ای که به آن می خوریم هم اهمیت دارد.

ترجیح می دهید رقابت را با کدام تیم شروع کنید؟

اینکه برنامه ی تیم چیست را که نمی توانم بگویم، چون جزو تاکتیکمان است اما ترجیح خودم این است که اول با ایتالیا دیدار کنیم. بعد برای مثال با مجارستان و در فینال هم به کره برسیم.

کنم. سه دوره حضور در المپیک، اتفاق بزرگی است که شاید نصیب بسیاری از ورزشکاران، آن هم در رشته های برجسته تر نشود. این تجربه برایم جای غرور دارد و از آن دست اتفاق هایی است که در تاریخ شمشیربازی و حتی ورزش ایران ماندگار می شود و در تاریخ خواهد ماند.

سفر به توکیو برای مدال جامانده

زمانی که به المپیک لندن رفتم، شاید فقط برای کسب تجربه رفته بودم و تنها آورده ام از آن رقابت ها هم همین بود. در ریو رفتم تا بلکه بتوانم به مدال برسم. تا یک قدمی اش هم رفتم، اما خب آن را به من ندادند. در این دوره هم هدف اصلی ام کسب مدال است؛ مدالی که در ریو جا ماند و حالا می خواهم بروم تا آن را پس بگیرم.

از تو حرکت از خدا برکت

از بچگی مادرم همیشه این مثل را برایم می زد که «از تو حرکت و از خدا برکت». من هم همیشه از کودکی و همان زمانی که درس می خواندم، این جمله در گوشم بود و همه ی تلاش ام را می کردم و در نهایت هم این خدا بود که به کارم برکت می داد و به نتیجه می رسیدم. حالا هم من همه سعی ام را کرده ام و در ماه های باقیمانده هم همین کار را خواهم کرد. باقی را می سپارم به خدا و امیدوارم که بهترین ها را برایم در نظر گرفته باشد.

و این حریف را شکست می دهم. صدای سالن، فریاد تماشاگران و بچه های خودمان را خوب به یاد دارم. فشار زیادی را متحمل شدم و رقابت حساس و دشواری بود، اما خوشبختانه این شمشیرباز بزرگ را شکست دادم و با قطعی کردن مدال برنز، به نیمه نهایی رسیدم. یادم می آید که ده دقیقه گریه می کردم. همه ی آن فشارهای جسمی و روحی باعث شد تا سردرد خیلی شدیدی بگیرم و نتوانم عملکرد خوبی در نیمه نهایی داشته باشم. حقیقت اش این است که کسب همین برنز هم همه ما را راضی کرده بود و خیلی از کسب آن خوشحال بودیم. در رقابت های قهرمانی جهان، ۲۲۰ شمشیرباز حضور داشتند، در حالی که در المپیک تنها شصت نفر می آیند. به همین خاطر معتقدم همین برنز قهرمانی جهان، به اندازه ی دوطلای المپیک ارزش دارد.

همین یک مدال را به تنهایی قاب کردم

بعد از ریو، همسرم یک قاب بزرگ درست کرد و همه ی مدال هایم را در آن چید. باین حال برنزم که در قهرمانی جهان قطعی شد، فخری پس از همان مسابقه با هارتونگ، به من گفت که همه مدال هایت را بگذار کنار و همین یک مدال را قاب کن. و همین کار را کردم و به همسرم گفتم آن قاب را خالی کن و همین یک مدال را به صورت تنها قاب

